

## انتحار معنوی!

چرا باشخصیت خود بازی کنیم؟! \*

☆☆☆☆☆☆☆☆

... چاکرم قربان! خاکسارم! مخلصم  
ارادتمندم! ... بله قربان ... تعظیم  
عرض می‌کنم و ... این الفاظ و کلماتی مانند آنها  
واژه‌های بی‌ارزشی هستند که با کمال تأسف و روزانه  
چندین بار به گوش می‌خورند. در هر کوی و برزن،  
از نمازگاه‌های بقالی و عطاری و نانوائی گرفته تا پشت  
میزها و ادارات و وزارتخانه‌ها از همه جا گفته‌ها و اصطلاحات  
بیشتر! این جمله‌ها شنیده می‌شود ...

قلب بدون توجه به حفظ شخصیت خود و زشتی  
این کلمات، با ذست و قیافت خاصی این واژه‌ها را  
تکرار می‌کنند ...

برخی از مردم برای رسیدن به مقاصد خود؛ از  
طریق تملق و چاپلوسی وارد می‌شوند! به گمان  
اینکه این راه‌هایی است که آنان را به هدفشان خواهد  
رسانید در صورتی که در دست برعکس نتیجه خواهند  
گرفت و به این وسیله بنیاد شخصیت خود را فرو بریزند

زیرا تملق و چاپلوسی به منزله انتحار  
معنوی و نابود کردن شخصیت اجتماعی  
خویشمن است و کسی که به سعادت و خوشحالی  
خویش علاقه‌مند باشد، هرگز به چنین خلق ناپسندی تملق  
نمی‌گردد و با دست خود موجبات نابودی شخصیت  
خویش را فراهم نمی‌سازد.

بعلاوه مردم عاقل و دارای شخصیت ذاتی؛ با سخن  
تملق آمیز و چاپلوسی؛ فریب نمی‌خورند و تملق  
در هر زمان زیاده و پاکدل مؤثر نمی‌شود،  
بلکه از این راه به پستی و حقارت گویند و آن‌ها می‌برند  
و با دبدب تحقیر آمیزی به او می‌نگرند، چون به راستی  
کسی که در مقابل دیگری به تملق گوئی  
می‌پردازد، ناخود آگاه به پستی و  
دروغ گوئی خود اعتراف می‌کند. و گفته  
یکی از حکمای چین: «هرگز تملق و وصیلت بکجا  
جمع نمی‌شوند» کسی که به این صفت ناپسند آلوده

گشت، در نتیجه تمام مسائل انسانی را زیر پا می‌گذارد  
با این انسان عاقل هرگز از این راه وارد نمی‌شود  
و فرورفتگوه خوردن به یاد نمی‌دهد چون میدانده که  
چاپلوسی و تملق مانند دروغ و نیرنگ؛  
زشت و ناپسند است.

آنان که علف گم‌نیده می‌خورند =  
التهاب این نکته نیز ناگفته نماند که برخی از مردم  
با کمال تأسف آمدند شسته و شوی و سایش هستند که  
اکثر کارهای خود را از کارانه؛ انجام می‌دهند  
و انتظار دارند که مردم به جای تمجید و تحسین در  
مقابل آنان به چاپلوسی و تملق بپردازند اینان به گفته  
یکی از نویسندگان غرب: «ما تمام مردم گرسنه‌ای  
هستیم که علف گم‌نیده و ماهی معتفن  
می‌خورند» که کمال تأسف این بی‌سواد دروسی  
در زمان گوئی دانستیم بسیاری از افراد اجتماع ما شده  
استند از این طریق چینه‌چانی که انجام نمی‌گیرد!  
و چو در این بیماری خطرناک در بسیاری از افراد  
موجب شهامت که عده‌ای از مردم راه چاپلوسی  
و اداری؛ تا آنجا که در میان افراد بسیاری آنقدر  
این صفت رایج گشته است که دیگر فتح و زشتی آرا  
درک نمی‌کنند و به بسا با کمال افتخار و مباحث؛ به  
پستی‌ترین اعمال «چاپلوسی» تن در می‌دهند. و از این  
آکارشوم ندارند؛ شگفت اینجا است که این صفت  
نکو هیچ‌جا نوعی زندگی می‌دانند!

معمولانه کاران و افراد است در مقابل کسانی که  
این نقطه ضعف را دارند، به این وسیله مقاصد خود را

(۱) - غرر الحکم

اجرامی کند و چه بسا با چاپلوسی در مقابل آنان حقوق  
مسلم افرادی را زیر پای می‌گذاردند و غرضهای ناچوار امر -  
دانه شخص خود را اعمال می‌کنند. زنها بیشتر از  
این راه به انحراف گشایند میشوند و استعمار فکری  
و اداری آنان نیز از این راه صورت می‌گیرد.

کسانی که به این بیماری مبتلا هستند و از «زبان -  
بازی» و چاپلوسی لذت می‌برند؛ افرادی ذی‌بون و نادان  
هستند زیرا اگر می‌فهمیدند، به این نکته توجه داشتند که  
سندون ناچهارمانند استهن اع و مستخره کردن  
است که علی (ع) هم فرموده است: «عاصم الرجل  
بمالیس فیه مستهنی». کسی که مردی را در مقابل  
صفتی ستاید که او دارای آن نیست در واقع وی را  
مسخره کرده است.

و کسانی که زبان را به تملق می‌آیند؛ عاری از  
بلک و روح پاک و باصفای انسانی هستند و از عزت نفس  
و علو طبع، برخوردار نمی‌باشند، زیرا اگر کسی  
دارای این منتهای انسانی باشد خود خواسته به پستی  
نمی‌گراید و برای رسیدن به مقاصد و اغراض مادی و  
غیر انسانی؛ زبان به باوه نمی‌گشاید مولای آزادگان  
علی (ع) فرموده است: «کثرة العناء ملق یحدث  
الزهو و یدنی من الغرة (۱) افراد رذیلتنا گوئی  
تملق است و این صفت نگویده موجب تکبر و خود  
خواهی طرف گشته، و زیانمرو می‌سازد».

اینان در واقع با چاپلوسی کردن؛ ناخود آگاه  
بی‌شخصیتی خود را اعلام می‌دارند و به گفته امرسون:  
«به هر زبانی که مایلی صحبت بدار ولی محال است

به خوی ناپسند آنان مبتلا شود. علی (ع) در این زمینه فرموده است: **«لا تصحب الما لقا فان یزین لك فعله ویود اناك مثله»** (۴) یا شخص چاهلوس را وقت دوستی مکن که او با چرب زبانی تو را اغفال میکند و کار زشت و ناپسند خود را در نظر تو دنیا جلوه می دهد و دوست دارد که تو نیز مثل او باشی.

باید دانست کسانی که در گفتار و چرب زبانی؛ قیادوبندی ندارند و پوی بند هیچ فضیلتی نیستند و برای انسان صفات و فضائل بیجامی سازند اینان در غیاب از بدگویی و عیب جویی کردن؛ خودداری نمی کنند برای انسان نقایص و عیوبی می تراشند؛ که باز علی (ع) فرموده است: **«کسی که شمارا به صفتی که دارای آن نیستید می ستایند برآستی، هم او به عیبی که نداری از شما بدگویی خواهد کرد»** (۵) در پایان توجه خوانندگان را به این چند شعر جلب می کنیم:

چه خوش آن گرسنه کامی که زبان او نجید

نه به حمد نابکاری نه به مدح قلبانی!

بدو مشت اگر بگویی ز سنگری دهان را

به از آنکسشت و گوهر تو بر کند دهانی

سراگر به سرفرازی ز فرزند گردانند

بر استان از آن که قدر آسانی!

جز آنچه که هستی کلمه دیگری بر زبان آوری» خود را معرفی می کند.

این فرمایگان هستند که با چرب زبانی و خللا گوئی باعث ترویج افراد ناشایست و سنگرمی گردند و آنان از وجود این افراد در بیان ناحق گویشان، سوء استفاده می کنند و به مقاصد شوم خود می رسند.

جنایات این افراد شوم؛ صفحات تاریخ جهان را سیاه کرده است از این راه چه افراد آزاده ای را که از حقوق مسلم خود محروم نکرده اند! آنچه چرب زبانی پلیدی را که به مقام و ریاست نرسانده اند. ۲ و از این راه چه نظمهائی که بر دیگر اجتماع وارد نساخته اند!

رسول اکرم (ص) فرموده است: **«اذمذح الفاجر؛ اهدم العرش و غضب الرب»** (۲) هنگامی که شخص نگاهکاری را ستایند عرش الهی می لرزد و خدای جهان به خشم می آید. «وامام عسکری (ع) می فرماید: «من مدح غیر المستحق فقد قام مقام المتهم» (۳) کسی که به ناحق دیگری را ستاید بمنزله کسی است که بر او تهمت می زند.»

\* \* \*

لازم است تا حد امکان از معاشرت و هم نشینی با فرمایگان متعلق به پرهیزیم و هرگز با آنان طرح و وقت دوستی نیز بهم باید متوجه بود که انسان بر اثر معاشرت و مجالست با آنها ممکن است رفتارش

(۲) - تحف العقول ص ۴۶.

(۳) - بهار ج ۸۸.

(۴) - غرر الحکم.

(۵) - «۸۱۱» غرر الحکم جمله ۶۷۱.